

Repeated Appointments in Institutional Arbitration: Challenges and Solutions

Maryam Farsi* 

Ph.D. Student of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Hamid Reza Oloumi Yazdi 

Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

Although the party autonomy plays a greater role in arbitration compared to the law, the legitimacy and popularity of arbitration exists as long as the administration of justice is not distorted by the parties' agreements and free will. One of the most obvious manifestations of party autonomy in arbitration is the freedom of the parties to appoint an arbitrator. In fact, one of the main reasons that the parties choose to use arbitration over other dispute resolution mechanisms is that they are

- This article is taken from a doctoral dissertation in private law at Allameh Tabatabaei University.

* Corresponding Author: maryamfarsi91@gmail.com

How to Cite: Farsi, M., & Oloumiyazdi, H. (2024). Repeated Appointments in Institutional Arbitration: Challenges and Solutions. *Private Law Research*, 12 (46), 33-60. 10.22054/jplr.2024.75287.2773

given the opportunity to choose their own arbitrator. On the other hand, the arbitrator's power to arbitrate comes directly from the right of the parties to appoint the arbitrator, and makes the party appointment of the arbitrator an important and decisive step. However, contrary to principles, the parties are more focused on appointing an arbitrator who supports their interests in the best way possible in disputes and, in other words, plays the role of their lawyer for them. Therefore, although the arbitrator is obliged to observe the principle of independence and impartiality, the parties generally do not choose him impartially. For this reason, the unconditional application of party autonomy in the appointment of the arbitrator may adversely affect the legitimacy and authority of the arbitration. Especially when the parties rely on their previous experiences or their lawyer's experiences to ensure the impartiality of their appointed arbitrator, this concern is exacerbated. In other words, when a person has a history of appointing an arbitrator in another case and is satisfied with his choice, he prefers to choose the same person as an arbitrator again in order to increase his chances of success in the next arbitration. In addition, Unfortunately, in such appointments, the repeated arbitrator may, with the motive of increasing the chances of his appointments in the future by the same person, instead of acting based on justice and justice, tend to be biased and get the satisfaction of the appointer. For this reason, "repeated appointment of an arbitrator" is one of the cases that, regardless of its real impact, can cause justifiable doubts about the independence and impartiality of the arbitrator, as well as the credibility and legitimacy of the arbitration, due to its biased appearance. Limiting the dubious appointments of arbitrators by the parties, by minimizing doubts about their impartiality and independence, increases the validity of awards and the legitimacy of the commercial and international investment arbitration regime.

Considering the role and position arbitral institutions have in protecting the arbitration and monitoring the good implementation of the process, they try to create a reasonable balance between respecting the parties' autonomy and the legitimacy and integrity of the arbitration. However, the rules of the arbitral institutions, especially in the field of repeated appointments, do not have clear provisions and in general, they foresee two ways of disclosing questionable conditions and the possibility of challenging the arbitrator in the event of "justifiable doubt in the independence and impartiality of the arbitrator". Unfortunately, the generality and lack of clarity of the subjective test of "reasonable doubt" without guidance regarding its possible examples, as well as the lack of publication of the institution's reasoned awards regarding how to deal with this sort of appointments, has caused confusion in how to deal with repeated appointments and needs to be revised.


By analyzing the direct and indirect adverse effects of repeated appointments on the integrity of the issued awards and the legitimacy of arbitration, this article describes the non-transparent positions of arbitration institutions in this regard and subsequently suggests that, firstly, arbitration institutions should reduce the existing confusion by setting clear objective rules for disclosure and how to deal with suspicious conditions, and also strengthen the credibility of arbitration and related organizations. In this regard, arbitration institutions can prevent conflicts of interest as well as objectify the test for disqualification of repeated arbitrator by developing a professional code of ethics for arbitrators with a more detailed reference to the duties of arbitrators in respect of independence, impartiality and disclosure of suspicious cases, and also avoid spending extra time and money on challenging arbitrators. Secondly, it is suggested that the arbitration institutions monitor the party appointments of the arbitrators in order to


prevent damage to their credibility as well as the quality of proceedings and the legitimacy of the arbitration. In such a way that the appointment process includes two stages of nomination of the arbitrator by the parties and its approval by the arbitration institutions. This sort of two-stage appointment, which is recognized in some institutions, in addition to respecting the party autonomy, also guarantees the implementation of justice to some extent.

Keywords: Repeated Appointments, Institutional Arbitration, Impartiality and Independence, Justifiable Doubt, Biased Appearance, Disclosure, Ethical Code of Arbitration

انتصابات مکرر در داوری سازمانی: چالش‌ها و راهکارها

دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،
ایران،

مریم فارسی * 

حمیدرضا علومی یزدی  دانشیار حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران،

چکیده

یکی از مهم‌ترین دلایلی که طرفین دعوا، داوری را به‌عنوان مکانیسم حل اختلاف برمی‌گزینند، حاکمیت اراده آن‌ها در انتخاب داور است. باوجوداین، حاکمیت مطلق اراده طرفین، به شکل‌گیری فرایندهایی منجر شده است که بعضاً اجرای عدالت و مشروعیت داوری را مورد سؤال قرار می‌دهد. «انتصابات مکرر یک داور» ازسوی یکی از طرفین در پرونده‌های متعدد، از مواردی است که می‌تواند با ایجاد ظاهر جانب‌دارانه، استقلال و بی‌طرفی داور و متعاقباً اجرای عدالت را مورد تردید قرار دهد. سازمان‌های داوری بین‌المللی با توجه به نقش و جایگاهی که در صیانت از داوری و نظارت بر حسن اجرای فرایند آن دارند، تلاش می‌کنند به‌نحو معقولی بین احترام به آزادی طرفین و مشروعیت و انسجام داوری تعادل ایجاد کنند. باوجوداین، قواعد سازمانی به‌طور خاص در زمینه انتصابات مکرر مقررۀ شفاف‌ی ندارد و به ملاک‌هایی کلی و ذهنی ارجاع می‌دهد. این مقاله با تحلیل تأثیرات سوء انتصابات مکرر و تشریح مواضع غیرشفاف سازمان‌های داوری در این خصوص، راهکارهایی را که سازمان‌های داوری می‌توانند از طریق اصلاح قواعد، اعمال اختیارات سازمان و یا تنظیم اصول و منشورهای اخلاق حرفه‌ای برای مقابله با این پدیده به کار گیرند، پیشنهاد می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: استقلال و بی‌طرفی، افشا، انتصابات مکرر، تردید موجه، داوری سازمانی، ظاهر جانب‌دارانه، منشور اخلاقی داوران.

– مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی است.

* نویسنده مسئول: maryamfarsi91@gmail.com

مقدمه

اختیار طرفین در انتخاب داور یکی از اصلی‌ترین دلایلی است که طرف‌های دعوا، داوری را به جای سایر مکانیسم‌های حل اختلاف برمی‌گزینند. مع‌ذالك این واقعیت که قدرت داور برای انجام داوری از حاکمیت اراده طرف دعوا ناشی می‌شود، انتصاب داور را به موضوعی تعیین‌کننده تبدیل می‌کند. در این فرایند اگرچه انتظار می‌رود که انتصاب با ملاک تخصص و بی‌طرفی صورت بگیرد، اما حقیقت این است که در عمل طرف دعوا مایل به انتصاب داور است که به بهترین وجه از منافع وی حمایت کند. از آنجا که تجربه‌های قبلی طرف دعوا و انتصابات سابق وی، یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند چنین اطمینانی را ایجاد کند، انتصابات مکرر داور شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر زمانی که طرف دعوا از داور خود در دعاوی قبلی راضی باشد، در داوری بعدی، ترجیح می‌دهد مجدداً همان فرد را برای افزایش شانس موفقیت خود برگزیند. با این وصف از آنجا که برخلاف قاضی، درآمد داور به انتصابش از جانب طرف دعوا بستگی دارد، این احتمال وجود دارد که داور با انگیزه افزایش احتمال انتصاب خود در آینده، به نفع طرفی که وی را برگزیده است، سوگیری نماید.^۱ در این صورت داوری که باید به عنوان شخص ثالث بر مدار عدالت، اختلاف طرفین را حل و فصل کند، خود در نتیجه اختلاف نافع می‌شود.^۲

سازمان‌های داوری با توجه به نقش و جایگاهی که در صیانت از داوری و نظارت بر حسن اجرای فرایند آن دارند، تلاش می‌کنند به نحو معقولی بین احترام به آزادی طرفین و مشروعیت و انسجام داوری تعادل ایجاد کنند. در این رابطه سازمان‌ها بر لزوم استقلال و بی‌طرفی داوران تأکید نموده و افشای شرایطی را که می‌تواند در استقلال یا بی‌طرفی داور «تردید موجه» ایجاد کند، برای داوران الزامی و بعضاً موجب رد صلاحیت می‌دانند. با وجود این کلی‌گویی و عدم تدقیق مقررات سازمانی در خصوص مصادیق موجد «تردید موجه»، موجب گردیده که شفافیت لازم درباره نحوه مواجهه با این شکل از انتصابات وجود نداشته

۱ مافی، ه. و همکاران. (۱۴۰۱)، «استقلال و بی‌طرفی داور منصوب طرفین در داوری‌های بین‌المللی با تأکید بر آرای قضایی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۹۷، ص. ۴۴.

۲ خدابخشی، ع. (۱۳۹۶)، «دو مسئله و یک انتخاب در حقوق داوری: عدالت یا اراده طرفین؟»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۷۹، ص. ۱۹۹.

باشد و تعارض حاکمیت اراده با ظاهر مشروع اجرای عدالت در این زمینه، بحث و جدل‌هایی را ایجاد کند.

در اجتناب از سردرگمی موجود، به نظر می‌رسد ایجاد شفافیت در رویکرد مقررات سازمانی در نحوه مواجهه با این نوع از شرایط تردیدآمیز یا اعمال نظارت مؤثرتر سازمان‌های داوری بر انتصابات طرفین، مفید باشد. همچنین تدوین منشورهای اخلاق حرفه‌ای برای داوران با بیان معیارهای صحت رفتار حرفه‌ای آن‌ها در موقعیت‌های مختلف، علاوه بر پیشگیری از ایجاد تعارض منافع احتمالی، ارزیابی انتصابات مکرر و تصمیم‌گیری در خصوص موجه بودن تردید ایجاد شده را آسان‌تر می‌کند.

در این مقاله ضمن تلاش، به تعریف مفهوم انتصابات مکرر در گفتار اول و بیان تأثیرات سوء احتمالی آن در گفتار دوم، به شرح و بررسی رویکردهای غیرشفاف سازمان‌های داوری در مواجهه با این مفهوم در گفتار سوم می‌پردازیم و در انتها راهکار پیشنهادی خود را برای مواجهه با این عدم شفافیت در گفتار چهارم توضیح می‌دهیم.

گفتار اول: تعریف انتصابات مکرر

در بحبوحه تمرکز فزاینده بر معیارهای اخلاقی در داوری بین‌المللی، پدیده «داوران مکرر» اهمیت قابل توجهی پیدا کرده است. بسیاری از سردرگمی‌ها در این زمینه از نپرداختن به این سؤال ساده، اما اساسی، ناشی می‌شود که داوران مکرر چه کسانی هستند. به نظر می‌رسد می‌توان آن‌ها را در معنای عام به سه دسته متفاوت تقسیم کرد:

اول، داوری که مکرراً از سوی یک طرف دعوا یا شرکت‌های متعلق به همان گروه از شرکت‌های طرف دعوا و یا یک وکیل، در چندین داوری منصوب می‌شود!

دوم، داوری که برای تصمیم‌گیری در مورد موضوعات یا دعواهای مرتبط (مثلاً برای رسیدگی به اختلافات متعدد ناشی از یک قرارداد یا مجموعه‌ای از حقایق) منصوب می‌شود. در اینجا طرف دعوا به دنبال گزینش داوری است که سابقاً روی همان مجموعه از حقایق کار کرده باشد. این نوع از انتصابات صرفاً از جهت موضوع تکراری نیست، بلکه به جهت مرتبط بودن دعاوی مطروحه، برخی از اطراف دعوا احتمالاً مشترک یا مرتبط با

دعوی سابق هستند^۱ و بنابراین استدلال‌های آنها قبلاً استماع شده است. برخی از نویسندگان^۲ این نوع تکرار را «تکرار واقعی» نامیده‌اند. این تکرار عمدتاً در مواردی رخ می‌دهد که یک قرارداد منفرد در طول دوره طولانی اجرا شده و به اختلافات و داوری‌های متعددی منجر شود.

نوع سوم، داوری که سابقاً در رأی یا مقاله‌ای، در موضوع مربوطه موضع‌گیری کرده است. برخی^۳ این شکل از تکرار را «تکرار قانونی» نامیده‌اند. در اینجا نگرانی، تعارض موضوع و تمایل داور به حل مسائل حقوقی با همان رویکرد سابق بدون توجه به استدلال‌های مخالف است. این دسته همچنین شامل داورانی می‌شود که متهم به موضع «همدردی» بوده و مکرراً به وسیله یک نوع مشخص از اطراف دعوا مانند دولت‌های سرمایه‌پذیر یا سرمایه‌گذاران منصوب می‌شوند.^۴ نوع سوم از تکرار ممکن است در داوری‌های سرمایه‌گذاری که قانون قابل اجرا در آن، یک معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه است، بیشتر پیش آید.^۵

اگرچه نوع سوم از تکرار نیز ممکن است اخلاق داوری را زیر سؤال ببرد، فقط دسته اول و دوم به معنای خاص، مشمول تعریف داور مکرر است؛ زیرا فارغ از موضوع رسیدگی، شامل ارتباطی تکراری با افرادی تکراری است. به همین جهت مقاله حاضر بر نوع اول و دوم انتصابات مکرر متمرکز است.

گفتار دوم: تأثیرات سوء محتمل در انتصابات مکرر

^۱IBA Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration, Orange List 3.1.5.

^۲ Giraldo-Carrillo, N. (2011). "The 'Repeat Arbitrators' Issue: A Subjective Concept". *International Law Revista Colombiana de Derecho Internacional*, (19), p. 93

^۳ *Ibid*, p. 97.

^۴ Fach Gómez, K. (2019). "Key Duties of International Investment Arbitrators a Transnational Study of Legal and Ethical Dilemmas". Springer, pp. 90-91. & Palmer, Sh. (2016). "Repeat Arbitrators: Why Are They Are an Issue?". *European International Arbitration Review*, 4(2), p. 19.

^۵ Giraldo-Carrillo, N. (2011), p. 98.

^۶ *Ibid*, p. 97.

ترویج استفاده از داوری به عنوان شیوه جایگزین حل اختلاف، مستلزم جلب اعتماد عمومی به تأمین عدالت و رسیدگی منصفانه در این سیستم است. برای ایجاد اعتماد در این رابطه نه تنها کیفیت رسیدگی و اعتبار رأی داوری، بلکه ساختار نیز باید به گونه‌ای باشد که از دید کاربران و اشخاص ثالث اجرای عدالت احساس شود. انتصابات مکرر می‌تواند به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم هم بر کیفیت رسیدگی و رأی صادره و هم بر مشروعیت و باور عمومی از اجرای عدالت، تأثیر منفی داشته باشد.

۱) تأثیر انتصابات مکرر بر کیفیت رسیدگی و اعتبار رأی داور

انتصابات مکرر، از طرفی با تأثیر بر استقلال و بی‌طرفی داور به صورت مستقیم و از طرف دیگر با ایجاد محدودیت در تنوع فرهنگی جامعه داوری، به صورت غیرمستقیم بر کیفیت رسیدگی و رأی داور تأثیر می‌گذارد:

الف) تأثیر مستقیم

طرف دعوا و داور ممکن است هر یک مستقلاً برای تأثیرگذاری بر رأی داوری، انگیزه‌هایی داشته باشند. حقیقت این است که طرف دعوا یا مشاور وی معمولاً مایل به گزینش محتمل‌ترین داوری هستند که به نفع آن‌ها رأی دهد و یا مایل است برای کاهش ضرر به آن‌ها کمک کند. به عبارت دیگر، طرف دعوا معمولاً داور را به جهت شهرت به بی‌طرفی انتخاب نمی‌کند؛ بلکه بیشتر مایل است داور نقش «وکیل» را برای وی ایفا کند. از طرف دیگر داور نیز ممکن است با انگیزه جذب انتصابات آتی، به نفع منصوب‌کننده رأی بدهد و یا به طور غیرمستقیم با امتناع از امضای رأی، ارائه نظر مخالف برای انتقاد از تصمیم اکثریت و یا با تأثیرگذاری در تخفیف رأی صادره علیه منصوب‌کننده، به وی کمک کند.^۱ این نگرانی به ویژه زمانی که پاداش مالی حاصل از انتصاب، قابل توجه باشد و یا داور تکراری در پرونده قبلی به نفع طرف منصوب‌کننده، تصمیم گرفته باشد، بیشتر

^۱Kuo, H. (2011). "The Issue of Repeat Arbitrators: Is It a Problem and How Should the Arbitration Institution Respond?". *Contemporary Asia Arbitration Journal*, 4(2), p. ۲۰۲. & Giorgetti, Ch. (۲۰۱۴). "The Arbitral Tribunal: Selection and Replacement of Arbitrators". *Law Faculty Publications*, p. 154.

می‌شود.^۱ از این رو، انگیزه داور برای تضمین انتصاب مجدد با صدور رأی به نفع طرف یا وکیل منصوب‌کننده، یکی از دلایل تصویب محدودیت کارفرمایان در داوری اختلافات استخدامی در «قانون انصاف داوری ایالات متحده»، ذکر شده است.^۲

آمارهای مربوط به داوری نشان می‌دهد که داوران به شدت حامی مشاغلی هستند که به جهت موقعیت خود در معرض اختلافات بیشتری باشند. در این راستا کمیته قضایی سنا در کالیفرنیا فاش کرد که در پرونده‌های اختلافات بیمه سلامت، داوری که بیش از یک میلیون دلار به نفع بیمار رأی داده باشد، حتی یک بار دیگر هم منصوب نشده است. در مقابل، شش داور از هشت داور مکرر که پنج انتصاب یا بیشتر داشتند، در ۸۰٪ مواقع به نفع شرکت بیمه رأی داده بودند.^۴ از طرف دیگر وندن برگ اذعان می‌کند که تقریباً تمام نظرات مخالف در دسترس عموم در داوری‌های سرمایه‌گذاری، به وسیله داور منصوب‌شده از جانب بازنده صادر شده است.^۵ بسیاری نیز معتقدند که این خطر وجود دارد که داوران به انگیزه انتصاب مجدد در آینده، آرای سازشی صادر کنند و فارغ از عدالت، به هر یک از طرفین یک پیروزی جزئی بدهند. چرا که ضررگریزی طرفین، باعث گرایش به داوری‌هایی می‌شود که عموماً به‌طور بینابینی رأی می‌دهند.^۶ موارد فوق بیانگر این است که نگرانی در مورد داوران مکرر منصوب‌شده به وسیله طرف دعوا، ممکن است معتبر باشد.^۷

بدیهی است، چنانچه وکیل نیز مکرراً داوری را منصوب کند، می‌تواند بر استقلال وی تأثیر بگذارد. به این معنا که داور منصوب، نسبت به آن وکیل احساس وفاداری خواهد داشت. در حقیقت از آنجا که غالباً منصوب‌کنندگان وکلا هستند، این پیوندها به اندازه

^۱Sobota, A. L. (2013), *Challenges and Recusals of Judges and Arbitrators in International Courts and Tribunals*, p. 295.

^۲The U.S. Arbitration Fairness Act (AFA)

^۳Kuo, H. (2011). p. ۲۵.

^۴ibid. p. ۲۵۳. & Brekoulakis, S. (۲۰۱۳). “Systemic Bias and the Institution of International Arbitration: A New Approach to Arbitral Decision-Making”. *Journal of International Dispute Settlement*, 4(3), p. 566.

^۵van den Berg, A. J. (۲۰۱۰), *Looking to the Future, Chapter 42 Dissenting Opinions by Party-Appointed Arbitrators in Investment Arbitration*, Brill, p. 824.

^۶Kapeliuk, D. (2010). “The Repeat Appointment Factor: Exploring Decision Patterns of Elite Investment Arbitrators”. *Cornell Law Review*, 96(1), p. 61.

^۷Palmer, Sh. (2016), p. ۳۳.

انتصاب مکرر از جانب طرف دعوا، اهمیت دارد.^۱ از سوی دیگر در این صورت فارغ از جانب‌داری داور مکرر، وکیل طرف منصوب‌کننده ممکن است با فرایند تصمیم‌گیری و تمایلات داور آشنایی بیشتری داشته و از مزایای برتری نسبت به هم‌تایان خود برخوردار باشد. از این رو با هر انتصاب اضافی، نگرانی بیشتری وجود دارد که داور، آگاهانه یا ناآگاهانه، تحت تأثیر طرف منصوب‌کننده یا وکیل وی قرار گیرد.^۲

داوران مکرر مربوط به دعاوی مرتبط نیز ممکن است به جهت سابقه کار بر روی مجموعه‌ای از حقایق یا قراردادهای مشخص، در رسیدگی‌های بعدی بی‌طرف نبوده و قبل از شنیدن استدلال‌های طرفین، موضع خود را اتخاذ کرده باشند.^۳ به‌طور خلاصه در انتصابات مکرر ناشی از منصوب‌کنندگان تکراری، احتمالاً استقلال داور و در انتصابات مکرر مربوط به دعاوی مرتبط، بی‌طرفی وی می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد.

ب) تأثیر غیرمستقیم

انتصاب مکرر تعداد محدودی از داوران، با از بین بردن شانس حضور داوران جدید و متنوع در دیوان، به‌صورت غیرمستقیم بر کیفیت دادرسی تأثیر می‌گذارد. این در حالی است که برای اطمینان از حفظ کیفیت داوری بین‌المللی، تضمین مشارکت همه فرهنگ‌ها در مجموعه داوران ضروری بوده و این موضوع به تثبیت موفقیت بلندمدت داوری کمک می‌کند.^۴

بدیهی است انتصاب داوری که بتواند وقایع میدانی اختلافات را به‌درستی براساس شناخت فرهنگ زمینه‌ای تفسیر کند، تأثیر مهمی بر صدور رأی صحیح، دارد و برعکس انتصاب مکرر یک داور در پرونده‌های مختلف و بعضاً در هر دو حوزه تجاری و

^۱ibid, p. 45.

^۲Bingham, B. L. (1998). "On Repeat Players, Adhesive Contracts, and the Use of Statistics in Judicial Review of Employment Arbitration Awards", *McGeorge Law Review*, 29(2), p. 234.

^۳Giraldo-Carrillo, N. (2011), p. 95.

^۴Palmer, Shaun, 2016, P. 39.

سرمایه‌گذاری بدون توجه به ویژگی‌های لازم برای درک شرایط و حقایق مطروحه در پرونده، تأثیر نامطلوبی بر کیفیت رسیدگی و انسجام رأی خواهد داشت.^۱ مطالعات نشان می‌دهد که تغییر ترکیب داوران دیوان بر محتوای رأی نهایی تأثیر می‌گذارد.^۲ انتصابات مکرر به‌ویژه در حوزه سرمایه‌گذاری بین‌المللی که تعداد دعاوی محدود است، ورود داوران جدید را محدود کرده و نهایتاً با ایجاد همگنی فکری و فرهنگی در داوران دیوان و تأثیر مضاعف داوران مکرر بر یکدیگر، نوعی انحصار ایجاد می‌کند. با توجه به اینکه اغلب داوران سرمایه‌گذاری مردانی میان‌سال و سفیدپوست از کشورهای توسعه‌یافته غربی هستند، یکی از انتقادات این است که داوران مکرر، بعضاً در مورد اموری تصمیم می‌گیرند که شناخت کاملی از آن ندارند.^۳ همچنین این احتمال وجود دارد که داوران تکراری به نفع کشورهای سرمایه‌گذار سوگیری کنند و براین اساس رویه‌ای علیه کشورهای سرمایه‌پذیر شکل بگیرد.^۴

۲) تأثیر انتصابات مکرر بر مشروعیت داوری

یکی از مهم‌ترین ارزش‌هایی که مشروعیت داوری را تضمین می‌کند، تحقق عدالت از منظر اشخاص ثالث متعارف است.^۵ بنابراین خطر آسیب به کیفیت رسیدگی و رأی داور بر اثر انتصابات مکرر به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، مشروعیت داوری را تهدید خواهد کرد.

مشروعیت داوری اصولاً براساس اعتماد عمومی مبنی بر اینکه داوران صرفاً براساس شایستگی تصمیم می‌گیرند، تضمین می‌شود. از آنجا که داوران نقش کلیدی در کیفیت

^۱Pilawa, D. (2019). "Sifting Through the Arbitrators for the Woman, the Minority, the Newcomer". *Case Western Reserve Journal of International Law*, 51(1), pp. 428-429. & Rogers, C. A. (2006). "Transparency in International Commercial Arbitration", *Kansas Law Review*, 54, p. 1334-1335.

^۲Behn, D., Langford, M., Létourneau-Tremblay, L. (2020). "Empirical Perspectives on Investment Arbitration: What Do We Know? Does It Matter?". *The Journal of World Investment & Trade*, 21(2-3), p. 240. & Brekoulakis, S. (2013), p. 565.

^۳Pilawa, D. (2019). pp. 428-429. & Paulsson, J. (1997). "Ethics, Elitism, Eligibility". *Journal of International Arbitration*, 14(4), p. 15.

^۴Kapeliuk, D. (2010), p. 53.

^۵Malintoppi, L., Yap, A. (2017). *Arbitration under International Investment Agreement Agreements (2nd Edition): A Guide to the Key Issues*. Chapter 8 Challenges of Arbitrators In Investment Arbitration Still Work in Progress?, p. 154.

رسیدگی و آرای صادره دارند، ظاهر جانب‌دارانه انتصاب مکرر آن‌ها، اعتبار و مشروعیت داوری را به‌عنوان یک روش معتبر حل اختلاف، تهدید می‌کند. از این‌رو دادگاه عالی آمریکا معتقد است که مراجع قانونی حل اختلاف نه تنها باید از جانب‌داری، بلکه از هرگونه ظاهر جانب‌دارانه نیز پرهیز کنند.^۱ این موضوع به‌ویژه در دعاوی سرمایه‌گذاری که مسائل کلان را در بر می‌گیرد، اهمیت دوچندانی دارد. این در حالی است که کشورهای در حال توسعه به‌جهت سابقه استعمار، به غرب بی‌اعتماد بوده و بر این باورند که در داوری سرمایه‌گذاری سوگیری سازمانی و شناختی به نفع سرمایه‌گذار وجود دارد.^۲ صرف نظر از صحت این تصور، صرف وجود چنین دیدگاهی در کشورهای در حال توسعه، مشروعیت داوری سرمایه‌گذاری را با بحران مواجه می‌کند.

از طرف دیگر مشروعیت داوری بین‌المللی از دیدگاه جامعه‌شناختی بر ادعای جهانی بودن آن استوار است. در انتصابات مکرر که تنها افراد خاصی در نقش تصمیم‌گیرنده می‌باشند و سایرین عملاً از ایفای چنین نقش‌هایی محروم هستند، مشروعیت داوری بین‌المللی زیر سؤال می‌رود. فرانک به نقل از سلیم مولان می‌گوید: «درک اروپایی و آمریکایی محور داوری باعث می‌شود که داوری به‌عنوان یک فرایند تحمیل شده از خارج و به‌عنوان نتیجه ناخواسته اما اجتناب‌ناپذیر جریان‌های تجاری و سرمایه‌گذاری تلقی شود».^۳

بنابراین، اصلاح ساختار را برای ارتقای کیفیت رسیدگی و رأی داوری، مشروعیت داوری و همچنین پذیرش عمومی و انطباق با آرای داوری افزایش می‌دهد.

گفتار سوم: رویه‌ها و ضوابط سازمان‌های داوری

برای مقابله با آثار سوء انتصابات مکرر، سازمان‌های داوری عموماً دو راهکار ارائه می‌دهند که یکی جنبه پیشگیری و دیگری جنبه درمانی دارد. این دو راهکار یکی الزام

^۱ De Vietri, R., Dharmananda. (2011). "Impartiality and the Issue of Repeat Arbitrators A Reply to Slaoui". *Journal of International Arbitration*, 28(3), p. 189.

^۲ Ciancio, N. (2014). "The Implications of Recent ICSID Arbitrator Disqualifications for Latin America". *Arbitration Law Review*, 6, pp. 440-441.

^۳ Franck, D. S. (2015), "The Diversity Challenge: Exploring the "Invisible College" of International Arbitration". *Columbia Journal of Transnational Law*, 53(3), p. 500.

داور به افشای شرایط موجد تردید موجه در استقلال و بی‌طرفی در زمان انتصاب است و دیگری جرح و سلب صلاحیت داور مورد سؤال در فرایند داوری.

۱) افشای شرایط موجد تردید موجه در استقلال و بی‌طرفی داور

راهکار اول که در اکثر قواعد سازمان‌های بین‌المللی داوری به‌عنوان وظیفه داور پیش از قبول انتصاب ذکر شده است، الزام به افشای تمام حقایق یا شرایطی است که می‌تواند در بی‌طرفی یا استقلال وی برای طرفین «تردید موجه» ایجاد کند. اگرچه «تردید موجه» در قواعد هیچ یک از سازمان‌های داوری به‌صورت دقیق تعریف نشده است، کانون بین‌المللی وکلا در بند سوم ماده دوم دستورالعمل ۲۰۲۴ تعارض منافع خود، تردید را زمانی موجه می‌داند که شخص ثالث معقول و مطلع، احتمال بدهد که داور در حصول تصمیم خود تحت تأثیر عواملی غیر از ماهیت دعوا به‌گونه‌ای که در اختلاف حاضر ارائه شده، قرار بگیرد.

در این ارتباط برخی از سازمان‌های داوری مانند دیوان داوری اتاق بازرگانی استکهلم^۱ (SCC)، هیئت داوری تجاری بین‌المللی کره^۳ (KCAB)، مرکز داوری بین‌المللی هنگ کنگ^۵ (HKIAC)، مرکز بین‌المللی حل اختلاف انجمن داوری آمریکا^۶ (ICDR) و مرکز داوری بین‌المللی سنگاپور^۹ (SIAC) داور را ملزم به افشای هرگونه شرایطی می‌دانند که در زمان انتصاب یا خلال دعوا ممکن است «احتمال تردید موجه» را در استقلال و بی‌طرفی وی ایجاد کند. دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی^۲ (ICC) با معیار فراگیرتری افشای هرگونه شرایطی را که ممکن است استقلال داور را از نظر طرفین زیر

^۱Article 18.2& 18.3 SCC Rules, 2023

^۲The Stockholm Chamber of Commerce

^۳Article 10.2 KCAB Rules, 2016

^۴The Korean Commercial Arbitration Board

^۵Article 11.4 HKIAC Rules, 2024

The Hong Kong International Arbitration Centre

^۶Article 14.2 ICDR Rules, 2022

^۷International Centre for Dispute Resolution

^۸Article 13.4 SIAC Rules, ۲۰۱۶

^۹Singapore international arbitration center

^{۱۰}Article 11.2 ICC Rules, ۲۰۲۱

^{۱۱}International Court of Arbitration

سؤال برده و یا موجب تردید معقولی در خصوص بی‌طرفی داور شود، الزامی می‌داند. باین حال سازمان‌های یاد شده در شمول انتصابات مکرر بر این موارد، تصریحی ندارند. اگرچه برخی از سازمان‌ها مقرر می‌کنند که هرگونه شک و تردید در تعیین مصادیق، باید به نفع افشا حل شود، با توجه به عدم وجود ملاک عینی برای تعیین مصادیق افشا، داور دچار این دوگانگی فکری می‌شود که اگر همه شرایط را فاش کند، احتمالاً انتصاب وی از همان ابتدا با مانع تراشی طرف مقابل، به خطر می‌افتد و اگر به جهت ترس از افشای بیش از حد، شرایط دوپهلویی را که به نظر او بر بی‌طرفی تأثیر نمی‌گذارد فاش نکند، ممکن است در ادامه از وی سلب صلاحیت شود.^۱

باین حال در مقررات برخی سازمان‌ها علاوه بر ذکر ملاک «احتمال تردید موجه»، اشاراتی نیز وجود دارد که لزوم افشای انتصابات مکرر را به شکل آسان‌تری از آن‌ها می‌توان برداشت کرد؛ برای مثال قواعد^۲ LCIA صراحتاً افشای موقعیت‌های حرفه‌ای گذشته و حال داور را الزامی دانسته که انتصابات مکرر داور می‌تواند از جمله آن‌ها باشد. قواعد^۳ PCA نیز در بیانیه نمونه ضمیمه خود، افشای روابط حرفه‌ای گذشته و حال داور با هر یک از طرفین را لازم می‌داند که، شامل انتصابات مکرر نیز می‌شود.

برخی دیگر از سازمان‌های داوری در کدهای اخلاقی خود به لزوم افشا یا امتناع از شرایطی اشاره می‌کنند که انتصابات مکرر می‌تواند ذیل آن‌ها باشد. برای مثال اصل دوم کد اخلاقی سازمان ICDR داور را ملزم به افشای روابط حرفه‌ای خود با طرفین یا وکلای آن‌ها می‌داند. سازمان داوری بین‌المللی ایکساید^۴ (ICSID) نیز در منشور اخلاق حرفه‌ای داوران، افشای هرگونه رابطه حرفه‌ای داور با طرف اختلاف سرمایه‌گذاری بین‌المللی، وکلای وی و همچنین کلیه انتصابات داوری از جانب طرف اختلاف در هر اختلافی را ظرف پنج سال گذشته لازم می‌داند.

^۱ ماده ۱۷،۴ قواعد اتاق داوری ایران، بند d اصل دوم منشور اخلاق تجاری داوران مرکز بین‌المللی حل اختلاف انجمن داوری آمریکا، فرم بیانیه منتشر شده اتاق بازرگانی بین‌المللی.

^۲ Slaoui, F. (۲۰۰۹), p. ۱۰۷.

^۳ Article 5.4 of London Court of International Arbitration Rules

^۴ Annex of Article 11 of Permanent Court of Arbitration

^۵ Article 11 ICSID Code of Conduct for Arbitrators in International Investment Disputes, 2023

^۶ International Centre for Settlement of Investment Disputes

همچنین ICC برای کمک به تشخیص شرایطی که باید افشا شود، نمونه‌هایی از این شرایط را در قالب «دستورالعمل افشای تعارضات» نام برده است. سه مورد از این موارد که مصداقی از انتصابات مکرر است، عبارتند از:

• داور در پرونده یکی از طرفین یا یکی از شرکت‌های وابسته به او، داوری کرده یا می‌کند.

• داور در یک پرونده مرتبط، داوری کرده یا می‌کند.

• داور در گذشته از سوی یکی از طرفین یا یکی از شرکت‌های وابسته به او یا به وسیله وکیل یکی از طرفین یا دفتر حقوقی وکیل مذکور به عنوان داور تعیین شده است.

برخی سازمان‌های داوری مانند ایکسید نیز علاوه بر الزام داور به ارائه اعلامیه و افشای شرایط تردیدزا، فهرستی از داوران خود را به همراه پرونده‌هایی که در آن، به عنوان داور یا وکیل، اقدام کرده‌اند، منتشر می‌کنند. این اطلاعات می‌تواند انتصاب‌های مکرر داور را فاش کند.

برخی از سازمان‌های داوری مانند^۲ ICC،^۳ LCIA،^۴ SIAC،^۵ HKIAC،^۶ KCAB، انجمن داوری آلمان^۷ (DIS) و دیوان داوری اتاق ایران؛ جهت اعمال نظارت، قطعیت انتصاب نامزدهای منتخب طرفین را مشروط بر تأیید سازمان می‌دانند. براین اساس فرایند انتصاب در این سازمان‌ها، شامل دو مرحله نامزدی داور به وسیله طرفین و تأیید آن از سوی سازمان‌های داوری می‌باشد.^۱ با این تفاوت که SIAC، KCAB و دیوان داوری اتاق ایران، صلاحیت سازمان و HKIAC نیز با کمی تفاوت، کارایی و انسجام داوری را ملاک تأیید صلاحیت ذکر می‌کنند. همچنین LCIA در صورت عدم تبعیت نامزد داوری از

^۱Guidance Note Issued by ICC on Disclosure of Conflicts by Arbitrators

^۲Article 13 of ICC Rules

^۳Article 7 of LCIA Rules

^۴Article 9.3 of SIAC Rules

^۵Article ۹,۳ of HKIAC Rules

^۶Article 13.1 of KCAB Rules

^۷Article 13.3 & 13.1 of DIS Rules

^۸German Arbitration Institute (DIS)

^۹ بند ۳ ماده ۱۴ قواعد دیوان داوری اتاق ایران

^{۱۰} رمضان نژاد کیاسری، ل. مقدری امیری، ع. (۱۳۹۵). «شرایط و آیین‌های جرح داور در داوری تجاری بین‌المللی»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، ص. ۲۸۰۵.

شرایط استقلال و بی‌طرفی، الزاماً به رد صلاحیت نامزد معرفی شده اقدام می‌کند. در مقابل به نظر می‌رسد سازمان‌هایی مانند ICC و DIS بیش‌از توجه به صلاحدید خود، عدم اعتراض طرف دعوا در موعد مقرر را ملاک تأیید صلاحیت نامزد داوری، می‌دانند. باین‌حال در این رابطه به نظر می‌رسد ICC نسبت به DIS انعطاف بیشتری برای تأیید صلاحیت داور دارد. اگرچه پرهیز از انتصابات مکرر صراحتاً در هیچ‌یک از قواعد فوق مورد توجه قرار نگرفته است، اما، از یک طرف می‌تواند شامل ملاک‌های کلی استقلال و بی‌طرفی گردد و از طرف دیگر با توجه به اهتمام سازمان‌های داوری بر افزایش تنوع در جامعه داوری، مورد اجتناب قرار گیرد.

۲) جرح و سلب صلاحیت داور

دومین راهکار مرتبگی که سازمان‌ها در جریان داوری تجویز می‌کنند، امکان رد صلاحیت داور در پی اعتراض به استقلال و بی‌طرفی وی است. مع الوصف، این مقررات صراحتی در امکان جرح داور مکرر ندارند.

مقررات سازمان‌های داوری برای جرح داور ملاک کلی تقریباً یکسانی را اتخاذ کرده‌اند. در این رابطه ICC^۱ با اتخاذ ملاک «فقدان ادعایی بی‌طرفی یا استقلال»، موسع‌ترین ملاک را برای موارد جرح داور ارائه می‌دهد که طبیعتاً می‌تواند انتصابات مکرر را نیز در برگیرد. پس از آن، سازمان‌های SCC^۲، LCIA^۳، ICDR^۴، HKIAC^۵، SIAC^۶، KCAB^۷ و مرکز داوری اتاق ایران^۸ با اتخاذ رویکرد مضیق‌تری، «تردید موجه» در استقلال و بی‌طرفی داور را ملاک جرح بیان می‌کنند. در مرحله بعد^۹ DIS با سخت‌گیری بیشتر «عدم تطابق داور با ملاک استقلال و بی‌طرفی» را ملاک جرح داور بیان می‌کند. در نهایت کنوانسیون ایکسید ظاهراً با بیان مضیق‌ترین ملاک برای جرح، «فقدان آشکار

^۱Article 14 of ICC Rules

^۲Article 19.1 of SCC rules

^۳Article 10 of LCIA Rules

^۴Article 15.1 of ICDR Rules

^۵Article 11.6 of HKIAC Rules

^۶Article 14.1 of SIAC Rules

^۷Article 14.1 of KCAB Rules

^۸ ماده ۱۸ قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران

^۹Article 15.1 of DIS Rules

صلاحیت‌های ضروری داوری را قابل اعتراض می‌داند^۱ که براساس ماده ۱۴,۱ «قضاوت مستقل» یکی از آن‌ها است.

در مورد اینکه آیا استاندارد مطروحه در کنوانسیون ایکسید، بالاتر از ملاک «تردید موجه» اکثر سازمان‌ها است، اختلاف نظر وجود دارد. افرادی که آستانه ملاک «فقدان آشکار صلاحیت» را بالاتر از آستانه «تردید موجه» می‌دانند، معتقدند که اگر براساس ملاک «تردید موجه»، اثبات ظاهر سوگیری کافی باشد، «فقدان آشکار صلاحیت»، مستلزم اثبات سوگیری واقعی است. باوجوداین، استدلال رئیس شورای اداری ایکسید در پرونده بانک آبی علیه ونزوئلا^۲ به نقطه عطفی در پذیرش ملاک ظاهر سوگیری برای رد صلاحیت داور و تفسیر ملاک «آشکار بودن سوگیری» مشابه با «تردید موجه» تبدیل شد.^۳ باوجوداین هر دو رویکرد بدون تدقیق در نحوه مواجهه با انتصابات مکرر، ملاکی مبهم و کلی تجویز می‌کنند.

بررسی آرای صادره در این باره، می‌توانست تا حدودی از ابهام بکاهد، اما به جز LCIA و ایکسید، هیچ سازمان دیگری، آرای مستدلی در این خصوص منتشر نمی‌کند. عدم ارائه استدلال در آرای جرح، موجب تداوم سردرگمی در رسیدگی به جرح‌های بعدی شده است. باوجود این، بررسی آرای محدود موجود این دو سازمان، نشان می‌دهد که صرف انتصابات مکرر برای رد صلاحیت داور کافی نبوده و شواهد بیشتری برای اثبات خدشه به استقلال و بی‌طرفی داور به دنبال انتصابات مکرر، مورد نیاز است.^۴ دیوان داوری ایکسید در پرونده تایدواتر علیه ونزوئلا^۵ در خصوص جرح داور برای انتصابات مکرر، اثبات وجود دو مورد را موجب رد صلاحیت داور دانست: اول چشم‌انداز انتصابات مستمر و منظم، همراه با مزایای مالی که ممکن است موجب رابطه وابستگی یا تأثیرگذاری در قضاوت داور باشد. دوم وجود این خطر که داور تحت تأثیر عوامل خارجی منتج از سایر پرونده‌ها قرار گیرد.^۶ دو عامل پیش گفته در پرونده‌های LCIA نیز مکرراً ملاک تأیید یا رد جرح داور

^۱Article 57 of ICSID Convention

^۲Blue Bank Int'l & Trust (Barbados) Ltd. v. Venezuela, ICSID Case No. ARB/12/20, Decision on the Parties' Proposals to Disqualify a Majority of the Tribunal (Nov. 12, 2013).

^۳Sobota, A. L. (2013), p. 313.

^۴Palmer, Sh. (2016), p. ۳۱.

^۵Tidewater Inc., Tidewater Investment SRL, Tidewater Caribe, C.A., et al. v. The Bolivarian Republic of Venezuela, ICSID Case No. ARB/10/5

^۶Palmer, Sh. (2016), p. 29.

مکرر، قرار گرفته است؛ برای مثال در پرونده LCIA به شماره ۸۱۱۳۲^۱ جرح داور مکرر برای فقدان ارتباط دعاوی مکرر مورد استناد با یکدیگر و همچنین عدم اهمیت اقتصادی آنها، رد شد و هیچ‌یک از بی‌طرفی و استقلال داور مکرر، مخدوش ارزیابی نشد.^۲ در مقابل جرح داور مکرر در پرونده‌های LCIA به شماره ۸۱۱۶۰^۳ و ۸۱۲۲۴^۴ به جهت اهمیت اقتصادی انتصابات مکرر و وجود تردید موجه در استقلال داور، تأیید شد.^۵ بنابراین اگرچه «تردید موجه» در تشخیص موارد اجباری افشا، به‌عنوان ملاکی ذهنی در نظر گرفته می‌شود، اما همین ملاک در رد صلاحیت، عینی قلمداد شده است.

همانند انتصابات مکرر، LCIA ملاک ارزیابی جرح را به جهت «عدم افشا» نیز نظر ثالث منصف آگاه، در خصوص ایجاد تردید موجه در استقلال و بی‌طرفی داور، می‌داند.^۶ از این رو همان‌طور که در عمل، صرف انتصابات مکرر را به‌تنهایی برای تأیید جرح داور کافی نمی‌داند، عدم افشای انتصابات مکرر را نیز به‌تنهایی برای پذیرش جرح کافی تلقی نمی‌کند؛ به‌عنوان مثال در پرونده LCIA به شماره ۸۱۱۶۰ افشای گزینشی و ناقص داور به‌تنهایی برای برکناری وی، کافی شناخته نشد. در مجموع به نظر می‌رسد که اگرچه انتصابات مکرر و نیز عدم افشای آن، هیچ‌یک به‌تنهایی مبنای کافی برای رد صلاحیت داور تلقی نمی‌شوند، اما می‌توانند عوامل مؤثری در تأیید جرح داور تلقی شوند.^۷ نهایتاً در امکان ابطال رأی مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داور مکرر، باید گفت که اکثریت قاطع مقررات داوری سازمانی رأی صادره را نهایی تلقی می‌کنند. در این باره بند دوم ماده ۳۵ قواعد مرکز داوری منطقه‌ای تهران به تبعیت از قواعد داوری آنسترال، کلیه آرای صادره را نهایی و لازم‌الاجرا می‌داند. علاوه بر این بند ۶ ماده ۳۴ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی نیز فرض بر این می‌داند که طرفین حق خود را مبنی بر اعتراض به رأی، ساقط کرده‌اند. اگرچه ماده ۵۲ کنوانسیون ایکسید استثنائاً امکان ابطال رأی داوری

^۱LCIA Reference No. 81132 f 4.4 (Nov. 15, 2008).

^۲Walsh, T. W., Teitelbaum, R. (2011). "The LCIA Court Decisions on Challenges to Arbitrators: An Introduction". *Arbitration International*, 27(3), p. 296.

^۳LCIA Reference No. 81132 f 4.4 (Nov. 15, 2008).

^۴LCIA Reference No. 812241 4.4 (Mar. 15, 2010).

^۵Walsh, T. W., Teitelbaum, R. (2011), p. 298-299.

^۶Malintoppi, L., Yap, A. (2017), p. 166.

^۷Walsh, T. W., Teitelbaum, R. (2011), p. 288.

را ذیل پنج مصداق کلی پیش‌بینی نموده است، مع‌ذالك در این مورد نیز شمول انتصابات مکرر بر این مصادیق بسیار بعید است. زیرا اولاً درحالی که شمول انتصابات مکرر در موارد الزام به افشا و امکان جرح داور - با وجود پیشگیرانه و سهل‌گیرانه‌تر بودن آنها نسبت به راهکار ابطال رأی - مورد اختلاف است، به طریق اولی شمول انتصابات مکرر در مصادیق ابطال، مورد تردید است.^۱ در ثانی باتوجه به اینکه در اکثر قواعد سازمانی، جلوگیری از اطالۀ عمدی داوری و طرح اعتراضات شانسی، دلیل اصلی محدود بودن مهلت جرح داور است، جرح دیر هنگام و متعاقباً درخواست ابطال رأی مستند به نظر مؤثر داور مجروح، اماره‌ای بر قصد ایجاد اطاله و فرار از اجرای رأی در نظر گرفته می‌شود.^۲

گفتار چهارم: راهکارهای پیشنهادی

اصلاح مقررات سازمان‌های داوری در جهت شفافیت و عینی‌سازی ملاک‌های افشا، نظارت سازمانی بر فرایند انتصاب، ملاک‌های رد صلاحیت داوران و همچنین تدوین منشورهای اخلاقی داوران قابلیت پیش‌بینی بیشتری را برای طرفین در هنگام انتصاب و برای داوران در هنگام قبول داوری به ارمغان می‌آورد.

اگرچه افشا راه‌حلی است که در کنار حفظ حاکمیت اراده طرفین بر انتصاب داور، استقلال و بی‌طرفی داور را نیز تضمین می‌کند. باوجود این، قواعد بسیاری از سازمان‌ها صراحتی در لزوم افشای انتصابات سابق داور ندارد. تدوین سازوکار شفاف و ملاک عینی در این خصوص، به جای سیستم انتزاعی «سپردن معضل تعیین مصادیق الزامی افشا به داوران» اولاً به طرف مقابل دعوا، امکان ارزیابی انتصابات مکرر براساس اطلاعات افشاشده را می‌دهد و ثانیاً، باتوجه به اینکه بسیاری از مواقع علت جرح داور، اعمال صلاحدید او در امتناع از افشای انتصابات مکرر است، تعیین ملاک عینی شفاف برای افشا در قواعد سازمانی، مشکلات بعدی را تقلیل می‌دهد. در این رابطه دستورالعمل کانون بین‌المللی و کلا در خصوص تعارض منافع، برخلاف رویکرد انتزاعی و ماهوی سازمان‌های داوری، با اتخاذ

^۱ شیروی، ع. (۱۳۹۳). داوری تجاری بین‌المللی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز

تحقیق و توسعه علوم انسانی، ص. ۲۷۹-۲۸۰.

^۲Levine, J. (2014). "Late-in-the-Game' Arbitrator Challenges and Resignations", American Society of International Law. 108, p. 420.

رویکرد عینی و محاسباتی؛ تعداد دفعات تکرار در انتصابات را ملاک افشا می‌داند. به نظر می‌رسد چنین سیستمی عینیت و در نتیجه مشروعیت بیشتری را برای فرایند داوری در پی خواهد داشت. در این صورت سازمان‌های داوری حتی می‌توانند به‌عنوان ضمانت اجراء، داورانی را که به دلایل غیرموجه افشا نمی‌کنند، تحریم نموده یا آن‌ها را ملزم به جبران خسارت عدم افشا بنمایند.^۲

برخی از سازمان‌های داوری جهت حفاظت از اعتبار و مشروعیت خود، به‌عنوان راه‌حلی پیشگیرانه، علاوه بر الزام افشا، تأیید انتصاب داوران منتخب طرفین دعوا را برای قطعیت انتصاب، الزامی می‌دانند. این ساختار اگرچه می‌تواند از فرایندهای تردیدزا مانند انتصابات مکرر ممانعت کند، اما در این خصوص نیز عدم شفافیت شاخص‌های تأیید/عدم تأیید انتصاب‌ها موجب برخوردهای متفاوت و غیرقابل پیش‌بینی از جمله در انتصابات مکرر می‌گردد. شفافیت شاخص‌ها جهت مقابله با انتصابات مکرر می‌تواند این فرایند را محدود و علاوه بر احترام به حاکمیت اراده طرفین، اجرای عدالت را نیز تا حدودی تضمین کند. چنانچه با وجود تدابیر افشا و نظارت سازمانی، انتصابات مکرر اتفاق افتد، سازوکار جرح همچنان می‌تواند به رد صلاحیت داور مکرر بینجامد. با وجود این همانند دو تدبیر نخست، در این مورد نیز عدم شفافیت قواعد سازمانی و ملاک‌های رد صلاحیت، موجب تداوم سردرگمی شده است. شفاف‌سازی معیارهای رد صلاحیت به‌ویژه از این جهت که رد صلاحیت، راهکاری سختگیرانه است، فشار وارده به مرجع تصمیم‌گیرنده را نیز تعدیل می‌کند.^۳ راهکار دیگری که می‌تواند به شفافیت شرایط و مصادیق کمک کند، انتشار تصمیمات مستدل است که از تلاش‌های ایذایی برای حذف داوران نیز جلوگیری می‌کند. رویه لزوم استناد به «عوامل عینی بیش از صرف انتصابات مکرر» برای رد صلاحیت، از چند جهت مورد انتقاد است: نخست اینکه این رویکرد با تمرکز بر شرایط اختصاصی داور از جمله آرای سابق و منبع درآمد وی، عملاً سوگیری واقعی را بررسی می‌کند. این

^۲ IBA Guidelines, supra note 4, Rule 3.1.3 “The arbitrator has within the past three years been appointed on two or more occasions by one of the parties or an affiliate of one of the parties”.

^۳ اسدی نژاد، م. (۱۳۹۱). (۱۳۹۱) «اصل استقلال و بی‌طرفی در داوری تجاری بین‌المللی». دو فصلنامه دانش و پژوهش

حقوقی، (۲)۱، ص. ۱۷. & Slaoui, F. (2009), p. 118

^۴ Sobota, A. L. (2013), p. 317-318.

درحالی است که آنچه به‌ویژه در زمینه مشروعیت داوری نگرانی پدید می‌آورد، ظاهر جانبدارانه انتصابات مکرر است، نه سوگیری واقعی. دیگر اینکه، تأثیر انتصابات مکرر در برخی موارد، ناخودآگاه بوده و ازسوی خود داور نیز ناشناخته است.^۱ ازاین‌رو تشخیص سوگیری واقعی، حتی با استناد به عوامل عینی نیز دشوار و بعضاً سلیقه‌ای است. به‌علاوه این رویکرد سختگیرانه، با پذیرش بسیار محدود جرح داوران مکرر، موجب ناکارآمدی عملی این تدبیر می‌شود و بر پویایی ارتباط داوران با یکدیگر و همچنین ارتباط طرفین دعوا با داوران تأثیر منفی می‌گذارد. بنابراین به نظر می‌رسد اخذ ملاکی شفاف و عینی، نه درجهت پیشگیری از سوگیری واقعی، بلکه درجهت اجتناب از ظاهر جانبدارانه انتصابات مکرر ضروری است.^۲

تدوین منشور اخلاق حرفه‌ای برای داوران از جانب سازمان‌هایی که فاقد این مجموعه مقررات هستند، می‌تواند با اشاره دقیق‌تر به وظایف داوران درخصوص رعایت استقلال، بی‌طرفی و افشای موارد مشکوک، از طرفی باعث پیشگیری از تعارض منافع شده و ازسوی دیگر به شفافیت ملاک رد صلاحیت برای مرجع تصمیم‌گیرنده کمک کند. به‌عبارت‌دیگر اگرچه محتوای این منشورها الزامی نیست، ولی معیار صحت رفتار حرفه‌ای داور را در موقعیت‌های مختلف بیان کرده و برای ارزیابی رفتار داوران و نحوه برخورد با آن‌ها ملاک مشخص‌تری ارائه می‌دهد.^۳ درحقیقت براساس این مقررات می‌توان بهتر ارزیابی کرد که آیا تردید در موارد مشکوک، موجه است یا خیر و به این واسطه خلأ قواعد سازمانی را تا حدودی جبران کرد.

نتیجه

انتصابات مکرر داور، با تأثیرگذاری بر استقلال و بی‌طرفی وی به‌صورت مستقیم و با ایجاد همگنی و عدم تنوع در دیوان به‌صورت غیرمستقیم، برای ناظران ثالث، در کیفیت رسیدگی و رأی صادره تردید ایجاد می‌کند. این تردیدها به‌ویژه با توجه به اینکه تشکیل داوری مبتنی

^۱ Ibid, p. 296.

^۲ Ibid, pp. 310-313.

^۳ محمدی نژاد، س. و همکاران. (۱۴۰۱) «ررسی اصول اخلاقی داوران تجاری بین‌المللی»، پژوهش‌های اخلاقی، ۱۲(۴)، ص. ۲۳۱.

بر انتخاب طرفین است، بسیار زیانبار بوده و اعتبار و مشروعیت داوری را تهدید می‌کند. به‌طور کلی سازمان‌های داوری با عنایت به نقش مدیریتی و نظارتی خود، راهکارهای افشای شرایط تردیدزا و امکان رد صلاحیت داور را پیش‌بینی کرده‌اند. مع‌ذلک ملاک ذهنی و کلی «تردید موجه» در این راهکارها و رویکرد غیرشفاف سازمان‌های داوری در نحوه مواجهه با انتصابات مکرر، موجب سردرگمی گردیده و نیازمند بازنگری است. در این ارتباط تدوین اصول و منشورهای اخلاق حرفه‌ای به‌وسیله سازمان‌های داوری با شفاف‌سازی وظایف داوران، تفسیر ملاک «تردید موجه» را برای افشا و رد صلاحیت، عینیت بخشیده و از صرف وقت و هزینه مضاعف برای جرح داوران مکرر پیشگیری خواهد کرد. همچنین پیشنهاد می‌شود سازمان‌های داوری با دخالت مستقیم و شفاف در فرایند انتصاب داور، تنظیم قواعد عینی شفاف برای افشا و نحوه مواجهه با انتصابات مکرر، به اعتبار رسیدگی‌ها و تثبیت موفقیت بلندمدت داوری کمک کنند.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Maryam Farsi



<https://orcid.org/0009-0005-1386-9412>

Hamid Reza Oloumi



<http://orcid.org/0000-0003-1591-2929>

Yazdi

منابع

کتاب

شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۳). *داوری تجاری بین‌المللی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم دانشگاهها انسانی (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

مقاله

اسدی نژاد، سید محمد. (۱۳۹۱). «اصل استقلال و بی‌طرفی در داوری تجاری بین‌المللی». دو فصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، (۲)، ۱-۲۴.

خدابخشی، عبدالله. (۱۳۹۶)، «دو مسئله و یک انتخاب در حقوق داوری: عدالت یا اراده طرفین؟». فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۷۹، ۱۹۵-۲۱۲، شناسه‌ی برنمود دیجیتالی: JLR.2017.54393/۱۰,۲۲۰۳۴

رمضان نژاد کیاسری، لیلا. مقدری امیری، عباس. (۱۳۹۵). «شرایط و آیین های جرح داور در داوری تجاری بین‌المللی»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، ۲۷۹۶-۲۸۰۹. مافی، همایون و همکاران. (۱۴۰۱)، «استقلال و بی‌طرفی داور منصوب طرفین در داوری های بین المللی با تأکید بر آرای قضایی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی. ۹۷. ۳۹-۶۵، شناسه‌ی برنمود دیجیتالی: ۱۰,۲۲۰۳۴/JLR.2020.184771.1569

محمدی نژاد، سمیرا و همکاران. (۱۴۰۱). «بررسی اصول اخلاقی داوران تجاری بین‌المللی». پژوهش های اخلاقی، ۱۲(۴)، ۲۱۳-۲۳۴، شناسه‌ی برنمود دیجیتالی: ۲۰,۱۰۰۱,۱,۲۳۸۳۳۲۷۹,۱۴۰۱,۱۲,۴۸,۷,۱

سند

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران. (۱۴۰۲). قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران.

References

Books

Sobota, A. L. (2013). *Challenges And Recusals of Judges and Arbitrators in International Courts and Tribunals, Chapter 10 Repeat Arbitrator Appointments in International Investment Disputes*, 293-319.

Fach Gómez, K. (2019). *Key Duties of International Investment Arbitrators A Transnational Study of Legal and Ethical Dilemmas*, Springer.

Giorgetti, Chiara (2014). *The Arbitral Tribunal: Selection and Replacement of Arbitrators in, Litigating International Investment Disputes: A Practitioner's Guide*, Law Faculty Publications, 143-172.

Malintoppi, L., Yap, A. (2018). *Arbitration under International Investment Agreements (2nd Edition): A Guide to the Key Issues. Chapter 8 Challenges of Arbitrators in Investment Arbitration Still Work in Progress?*, Edited by Katia Yannaca-Small.

van den Berg, A. J. (2010), *Looking to the Future, Chapter 42 Dissenting Opinions by Party-Appointed Arbitrators in Investment Arbitration*, Brill, DOI: https://doi.org/10.1163/9789047427070_043.

Articles

Bingham, B. L. (1998). "On Repeat Players, Adhesive Contracts, and the Use of Statistics in Judicial Review of Employment Arbitration Awards". *McGeorge Law Review*, 29(2), 223-259, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1827242>.

Behn, D., Langford, M., Létourneau-Tremblay, L. (2020). "Empirical Perspectives on Investment Arbitration: What Do We Know? Does It Matter?". *Journal of World Investment & Trade*, 21, 188-250, DOI: <https://doi.org/10.1163/22119000-12340172>.

Brekoulakis, S. (2013), "Systemic Bias and the Institution of International Arbitration: A New Approach to Arbitral Decision-Making". *Journal of International Dispute Settlement*, 4(3), 553-585, DOI: <https://doi.org/10.1093/jnlids/idt016>.

Ciancio, N. (2014). "The Implications of Recent ICSID Arbitrator Disqualifications for Latin America". *Arbitration Law Review*, 6, 440-466.

De Vietri, R., Dharmananda. (2011). "Impartiality and the Issue of Repeat Arbitrators A Reply to Slaoui". *Journal of International Arbitration*, 28(3), 187-200, DOI: <https://doi.org/10.54648/joia2011017>.

Franck, D. S. (2015). "The Diversity Challenge: Exploring the "Invisible College" of International Arbitration". *Columbia Journal of Transnational Law*, 53(3), 429-506.

Giraldo-Carrillo, N. (2011). "The 'Repeat Arbitrators' Issue: A Subjective Concept". *International Law Revista Colombiana de Derecho Internacional*, (19), 75-106, SICI: 1692-8156(201112)19<75:TRAI SC>2.3.TX;2-V.

- Kapeliuk, D. (2010). "The Repeat Appointment Factor: Exploring Decision Patterns of Elite Investment Arbitrators". *Cornell Law Review*, 96(1), 47-90, Available at: <http://scholarship.law.cornell.edu/clr/vol96/iss1/8>.
- Kuo, H. (2011). "The Issue of Repeat Arbitrators: Is It a Problem and How Should the Arbitration Institution Respond?". *Contemporary Asia Arbitration Journal*, 4(2), 247-271, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1966459>.
- Levine, J. (2017). "Late-in-the-Game' Arbitrator Challenges and Resignations", *American Society of International Law*. 108, 419-423, DOI: doi:10.5305/procanmeetasil.108.0419.
- Palmer, Sh. (2016). "Repeat Arbitrators: Why Are They an Issue?". *European International Arbitration Review*, 4(2), 17-47.
- Pilawa, D. (2019). "Sifting Through the Arbitrators for the Woman, the Minority, the Newcomer". *Case Western Reserve Journal of International Law*, 51(1), 394-435, Available at: <https://scholarlycommons.law.case.edu/jil/vol51/iss1/14>.
- Rogers, C. A. (2006). "Transparency in International Commercial Arbitration", *Kansas Law Review*, 54, 1300-1337, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=888485>.
- Slaoui, F. (2009). "The Rising Issue of 'Repeat Arbitrators': A Call for Clarification". *Arbitration International*, 25(1), 103-119, DOI: <https://doi.org/10.1093/arbitration/25.1.103>.
- Walsh, W. T., Teitelbaum, R. (2011). "The LCIA Court Decisions on Challenges to Arbitrators: An Introduction". *Arbitration International*, 27(3), 283-313, DOI: <https://doi.org/10.1093/arbitration/27.3.283>.

Documents

- Arbitration Institute of the Stockholm Chamber of Commerce. (2023). SCC Arbitration Rules.
- Council of the International Bar Association. (2004). IBA Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration.

International Chamber of Commerce. (2016). Guidance Note Issued by ICC on Disclosure of Conflicts by Arbitrators.

International Chamber of Commerce. (2021). ICC Arbitration Rules.

London Court of International Arbitration. (2014). LCIA Arbitration Rules.

German Arbitration Institute. (2018). DIS Arbitration Rules.

Permanent Court of Arbitration. (2012). PCA Arbitration Rules

Singapore international arbitration center. (2016). SIAC Arbitration Rules

The Korean Commercial Arbitration Board. (2016). KCAB Arbitration Rules

The Hong Kong International Arbitration Centre. (2024). HKIAC Arbitration Rules

International Centre for Dispute Resolution. (2022). ICDR Arbitration Rules

Arbitral Award

ICSID Case No. ARB/12/20, Decision on the Parties' Proposals to Disqualify a Majority of the Tribunal (Nov. 12, 2013).

ICSID Case No. ARB/10/5.

LCIA Reference No. 812241 4.4 (Mar. 15, 2010).

LCIA Reference No. 81132 f 4.4 (Nov. 15, 2008).

LCIA Reference No. 81160 * 2.1 (Aug. 28, 2009).

Translated References into English

Books

Shiravi, Abdolhossein, *International Commercial Arbitration*, Fourth Edition, (Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities

Books of Universities (Samt), Research and Development Center for Humanities, 1393). [In Persian]

Articles

Asadi Nejad, Seyed Mohammad, “The principle of independence and impartiality in international commercial arbitration”, *Two quarterly journals of knowledge and legal research*, 2th year/1, 2 (1391). [In Persian]

Khodabakhshi, Abdollah, “Two problems and a choice in arbitration law: justice or the parties' autonomy?”, *Legal Research Quarterly journal*, 24th year/20, 79 (1396), DOI: 10.22034/JLR.2017.54393. [In Persian]

Ramezan Nejad Kiyasari, Leila; Moghadari Amiri, Abbas, “Conditions and procedures of arbitrator Challenge in international commercial arbitration”, international conference on research in science and technology, 11th year/5, (1395). [In Persian]

Mafi, Homayoon; et al, “Independence and impartiality of party appointed arbitrator in international arbitrations with an emphasis on judicial Awards”, *Legal Research Quarterly journal*, 24th year/25, 97 (1401), DOI: 10.22034/JLR.2020.184771.1569. [In Persian],

Mohammadinejad, Samira; et al, “Study of ethical principles of international commercial arbitrators”, *Ethical Research*, 12th year/48, 4 (1401), DOI: 20.1001.1.23833279.1401.12.48.7.1. [In Persian]

Documents

Iran Chamber of Commerce Center, Arbitral Rules of Iran Chamber of Commerce Center (1402). [In Persian].

استناد به این مقاله: فارسی، مریم و علومی یزدی، حمیدرضا. (۱۴۰۳). انتصابات مکرر در داوری سازمانی: چالش‌ها و راهکارها. پژوهش حقوق خصوصی، (۴۶) ۱۲، ۳۳-۶۰.

doi: 10.22054/jplr.2024.75287.2773



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.